



ترور و جنگ یهودیان با پیامبران و اصلاح‌گران با تاکید بر سوره حشر

محمد حاجی علی‌کنگانی^۱

سعیده حاجی علی‌کنگانی^۲

علی مطیع‌الله^۳

چکیده

قرآن کریم در آیات متعدد از دشمنی‌های تاریخی یهودیان با پیامبران و مصلحان الهی پرده برمی‌دارد؛ دشمنی‌هایی که گاه به ترور و جنگ افروزی می‌انجامید. در این پژوهش با تمرکز بر سوره حشر، به بررسی بخشی از این رویارویی‌ها، به‌ویژه توطئه بنی‌نضیر برای ترور پیامبر اسلام ﷺ و صفات روانی و اخلاقی آن‌ها پرداخته شده است. اهمیت این موضوع در آن است که شناخت ریشه‌های تاریخی تقابل جریان‌های حق و باطل، به تبیین سنت‌های الهی در مواجهه با طغیان‌گری‌ها کمک می‌کند. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر منابع تفسیری معتبر است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرآن، یهودیان عهد پیامبر را با صفاتی چون نفاق، خیانت، ترس از حق و فقدان بصیرت معرفی می‌کند و این ویژگی‌ها را ریشه اصلی دشمنی آنان با پیامبران می‌داند. مطالعه‌ی این آیات، تصویری روشن از الگوهای رفتاری دشمنان پیامبران و اصلاح‌گران الهی در طول تاریخ ارائه می‌دهد.

کلیدواژه: یهودیان در قرآن، دشمنی با پیامبر، ترور پیامبر، سوره حشر.



۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی تهران
۲. دانش‌آموخته مذاهب فقهی دانشگاه ادیان و مذاهب قم
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد شریعت علوم اسلامی اهل سنت و جماعت جنوب ایران

مقدمه

قرآن کریم، کتاب آسمانی مسلمانان، با رویکردی هدایت‌گرایانه به ابعاد فردی و اخلاقی زندگی بشر می‌پردازد و برای انتقال مفاهیم، از تحلیل تاریخی شخصیت‌ها و جوامع بشری بهره می‌گیرد. این کتاب آسمانی، در مسیری روشن و تحلیلی، چگونگی تعامل اقوام و ملل مختلف با پیامبران الهی ﷺ و مصلحان اجتماعی را ترسیم می‌کند. این نقل‌های تاریخی، همچون دعوت به سیر در زمین، خود ابزاری برای هدایت و عبرت‌آموزی هستند. یکی از پررنگ‌ترین جریان‌های تاریخی در قرآن، مواجهه قوم بنی‌اسرائیل به ویژه یهودیان با پیامبران و مصلحان است؛ مواجهه‌ای که در بسیاری از موارد آن مخالفت سازمان‌یافته با دعوت پیامبران الهی و اصلاح‌گری مصلحان اجتماعی از جمله ترور پیامبران، جنگ با آن‌ها و تحریف آموزه‌های الهی است و در گزارشی قرآنی بخشی از رویارویی با پیامبر اسلام ﷺ و بخشی از نقشه ترور ایشان را بازگو می‌کند.

قرآن کریم در بیش از ۱۰ آیه^۱ به ترور و جنگ یهودیان با پیامبران الهی ﷺ و اصلاح‌گران پرداخته است. از جمله سوره‌هایی که به‌طور مفصل به بررسی این تقابل تاریخی پرداخته سوره حشر است. در این سوره، خداوند داستان یهودیان بنی‌نضیر را روایت می‌کند که چگونه با نقض پیمان، همراهی با دشمنان اسلام و توطئه برای ترور پیامبر ﷺ، به مقابله با جریان اصلاح دینی برخاستند. تحلیل این سوره نه تنها از منظر تاریخی، بلکه از جهت روان‌شناسی اجتماعی و اخلاقی نیز قابل تأمل است؛ چرا که قرآن با واژه‌هایی دقیق، به توصیف ویژگی‌های درونی، نیت‌ها و منش‌های رفتاری آنان می‌پردازد.

اهمیت این بررسی در آن است که با فهم سنت‌های الهی در مواجهه با دشمنان حق، می‌توان الگوهای تاریخی تقابل حق و باطل را شناخت و از آن در تحلیل‌های معاصر بهره برد. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی و تحلیلی، و بر پایه‌ی منابع تفسیری معتبر، به بررسی صفات یهودیان در قرآن، به‌ویژه در سوره حشر، و تحلیل ابعاد روانی، اعتقادی و رفتاری آنان در تقابل با پیامبران و مصلحان می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که



۱. از جمله: سوره بقره، آیات ۸۷ و ۹۱؛ سوره آل عمران، آیه ۱۱۲؛ سوره مائده، آیه ۷۰؛ سوره احزاب، آیه ۲۶؛ و سوره حشر که آیات آن در این جستار بررسی خواهند شد.

این مقاله تلاش کرده است که با استفاده از داده‌های قرآنی و نوشته‌های عتیق بنی اسرائیل به تاریخ عیسی از آرائه دهد. در این راستا به تبیین مقصود از اسرائیل و ظهور یهود به عنوان دین پیامبر داود و سلیمان (علیهم‌السلام) و نمود آن‌ها به عنوان حاکمیت سیاسی شکل گرفته و بدین شکل اسرائیل آرائه می‌دهد.



قرآن، یهودیان دوران پیامبر را با صفاتی چون نفاق، خیانت، ترس افراطی از مردم، دلبستگی به دنیا، و فقدان فقه و بینش توصیف می‌کند و این ویژگی‌ها را علت اصلی دشمنی و جنگ آنان با پیامبران می‌داند.

مطالعات متعددی در حوزه بنی اسرائیل در قالب رساله و مقاله علمی ارائه شده است که از جمله آن می‌توان مقاله «تفسیری تاریخی از بنی اسرائیل براساس قرآن کریم» از محمدکاظم شاکر در دانش‌نامه قرآن و حدیث شماره دوم آن یاد کرد. این مقاله تلاش کرده است که با استفاده از داده‌های قرآنی و نوشته‌های عهد عتیق تفسیری تاریخی از بنی اسرائیل به صورت کلی ارائه دهد. در این راستا به تبیین مقصود از اسرائیل، به دوره پیامبری موسی (علیهم‌السلام) و ظهور یهود به عنوان دین و دوره دو پیامبر داود و سلیمان (علیهم‌السلام) و نمود آن‌ها به عنوان حاکمیت سیاسی تاکید داشته و بدین شکل تصویری تاریخی از بنی اسرائیل ارائه می‌دهد. این مقاله با وجود این‌که عنوان آن گویای تنها توجه به داده‌های قرآنی دارد اما از نوشته‌های عهد عتیق در تکمیل بعضی از داستان‌های مرتبط با بنی اسرائیل استفاده کرده است. مقاله نزدیک به این پژوهش را می‌توان مقاله «تحلیل و بررسی غزوه بنی‌نضیر در قرآن کریم با تاکید بر الگوی نگرشی و نگارشی (پردازشی) تاریخ‌نگاری قرآن» از سید محمدصادق حسینی کجانی و محمدرضا جباری چاپ شده در فصل‌نامه علمی پژوهشی فرهنگ و تمدن اسلامی زمستان ۱۳۹۶ شماره ۲۹ یاد کرد. رویکرد این مقاله متمرکز بر ارائه بیان نگرش و شیوه نگارش از وضعیت بنی‌نضیر در قرآن است و تلاش دارد وضعیت آن‌ها را با تحلیلی تاریخی و مستند به آیات قرآن ارائه کند.

آن‌چه که این مطالعه را از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد تحلیل رفتارشناسانه و استخراج الگوی رفتاری نحو مواجهه یهودیان با پیامبران و مصلحان اجتماعی از آیات قرآن و تاکید بر مقوله ترور و جنگ و در این راستا تلاش می‌کند که الگویی در تحلیل‌های معاصر با تاکید بر نحو گزارش و آرائه قرآن از مواجهه بنی‌نضیر. گروهی از یهودیان معاصر پیامبر اسلام در دوره مدنی ارائه دهد.

دیانت یهود. تحریف نشده. یکی از ادیان ابراهیمی تک‌خدا باور است که بر پایه تورات و سنت‌های تفسیری بعدی شکل گرفته و پیروان آن خود را از نسل ابراهیم (علیهم‌السلام) می‌دانند. دین یهود یکی از کهن‌ترین ادیان زنده‌ی جهان است که قدمت آن به بیش از هزار سال

پیش از میلاد بازمی‌گردد و برپایه‌ی وحی الهی به پیامبران بنی اسرائیل بنا شده است. این دین نخستین دین بزرگ توحیدی است که خدایی واحد، متعالی و خالق جهان را معرفی می‌کند. واژه‌ی «یهودی» نخستین بار در متون یونانی، برای پیروان این آیین به کار رفته و در کتاب مقدس عبری - که شامل ۲۴ متن در سه بخش قانون، پیامبران و مکتوبات است - مجموعه‌ای از تعالیم دینی، تاریخی و اخلاقی ارائه شده است. یهودیان اعتقاد دارند که روزی حکومتی الهی در جهان برپا خواهد شد و همه‌ی انسان‌ها زیر پرچم عدالت الهی زندگی خواهند کرد. این دین تأثیر شگرفی بر ادیان دیگر به ویژه مسیحیت و اسلام گذاشته و آموزه‌هایی چون توحید اخلاقی و انتظار برای نجات نهایی بشر، از عناصر مهم فکری آن به شمار می‌روند.^۱

استقرار یهودیان در مدینه (یثرب پیشین) سابقه‌ای دیرینه داشت و به دلایل مختلفی صورت گرفته بود؛ از جمله انتظار برای ظهور پیامبر موعود که نشانه‌های آن در کتبشان ذکر شده بود و همچنین مهاجرت‌های ناشی از تحولات تاریخی و شرایط اقتصادی مساعد این منطقه. در زمان ورود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه، قبایل متعددی از یهودیان در آن سکونت داشتند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به بنی‌نضیر اشاره کرد.

مفسران درباره سبب نزول آیه نخست سوره حشر چنین آورده‌اند: هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مدینه تشریف آوردند، بنی‌نضیر با ایشان پیمان صلح بستند مبنی بر اینکه نه با او بجنگند و نه در کنار او در جنگی شرکت کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز این شرط را از آنان پذیرفتند. اما پس از پیروزی مسلمانان در غزه بدر، بنی‌نضیر گفتند که این همان پیامبری است که وصف او در تورات آمده و هیچ‌گاه شکست نخواهد خورد. ولی پس از غزه احد و شکست مسلمانان، آن‌ها پیمان خود را نقض کرده و دشمنی خود را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان آشکار ساختند. در پی این نقض عهد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنان را محاصره کرد و در نهایت با آن‌ها بر سر ترک اجباری مدینه صلح نمود.^۲

گزارش قرآن از ترور پیامبران و اصلاح‌گران توسط یهودیان

در گستره تاریخ بشری، همواره هنگامی که ندای حق برخاسته، جبهه باطل نیز در برابر آن صف‌آرایی کرده است. این تقابل، یک سنت تاریخی مداوم است که در مقاطع مختلف

۱. ر.ک: رابرت هیوم، ادیان زنده جهان، ص ۲۷۵.

۲. ر.ک: واحدی، أسباب النزول، ص ۴۱۶.





تاریخ بشر با اشکال و شیوه‌های گوناگون تکرار شده است. دشمنان حقیقت از آغازین روزهای ظهور پیامبران و مصلحان همواره در صدد خاموش ساختن نور الهی و جلوگیری از گسترش پیام توحید بوده‌اند. این مشی باطل، از همان ابتدای تاریخ و در جریان دعوت‌های انبیاء الهی نمایان بوده و در نمونه‌هایی چون مواجهه فرعون با پیامبر موسی علیه السلام و تلاش برای سرکوب ایمان‌آوردندگان، روشن می‌شود: ﴿وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ﴾^۱ «و مرد مؤمنی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت، گفت: آیا مردی را می‌کشید (برای آن) که می‌گوید: پروردگار من الله است، و همانا دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟! و اگر او دروغگو باشد، (گناه) دروغش بر گردن اوست، و اگر راست‌گو باشد پاره‌ای از آنچه به شما وعده می‌دهد به شما خواهد رسید، بی‌گمان الله کسی را که اسراف‌کار دروغگو است، هدایت نمی‌کند». در این آیه، یکی از افراد مؤمن آل فرعون با شجاعت از حق دفاع می‌کند، اما در عین حال این واقعیت را نیز آشکار می‌سازد که حتی در دل دستگاه‌های طاغوت نیز گاه کسانی یافت می‌شوند که حقیقت را درک می‌کنند، ولی برای حفظ جان خویش ناچار به پنهان‌کاری‌اند. مقابله با پیام توحید و حق‌طلبی، امری نیست که صرفاً از روی جهل باشد، بلکه غالباً با علم به حقیقت، از روی تکبر و استکبار صورت می‌گیرد.

این تقابل مداوم میان جبهه حق و باطل، همواره مایه شگفتی پیامبران و مصلحان تاریخ بوده است. آنان که دعوت‌شان مبتنی بر عقل، عدل و وحی بوده، با رفتار خصمانه و بی‌منطق مخالفان مواجه شده‌اند. این موضوع در آیات مختلف قرآن مورد تأکید قرار گرفته و مصادیق آن بیان شده است: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقُمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ﴾^۲ «بگو: ای اهل کتاب! آیا از ما خرده و عیب می‌گیرید؟! (مگر ما چه کرده‌ایم؟) جز اینکه به الله و آنچه بر ما نازل شده و آنچه پیش از این نازل شده است؛ ایمان آورده‌ایم، و حال آنکه بیشتر شما نافرمان (و از راه حق منحرف) هستید؟!». و معنای «نقمت» این است که در دشمنی یا نفرت از چیزی به شدت زیاده‌روی و افراط کردید. و معنای جمله چنین است: آیا چیزی را از ما ناپسند می‌دانید و بر ما خشم گرفته‌اید جز ایمان ما [به خدا]، و ناپسندی فسق (گناه‌کاری) خودتان؟ چون شما

۱. سوره غافر: ۲۸.

۲. سوره مائده: ۵۹.

می دانستید که ما بر حق هستیم، و خودتان اهل فسق و گناه بودید.^۱

در برابر این تقابل دائمی، وعده خداوند متعال برتری نهایی حق بر باطل است. با وجود تلاش های سازمان یافته برای خاموش کردن نور الهی، قرآن کریم به صراحت اعلام می دارد که این نور الهی کامل خواهد شد، حتی اگر کافران یا مشرکان از آن ناخشنود باشند: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۲ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۳ «آن ها می خواهند نور الله را با دهان خود خاموش کنند، ولی الله کامل کننده نور خویش است هرچند کافران خوش نداشته باشند. او کسی است که رسول الله را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند». در قرآن، واژه ی «نور» به عنوان نماد هدایت، حقیقت و روشنی، به مفاهیم و مصادیق متعددی اطلاق شده است. خود خداوند به عنوان سرچشمه ی هستی و هدایت، «نور» آسمان ها و زمین معرفی شده است. قرآن کریم نیز نور نامیده شده، زیرا راهنمای بشر به سوی حق و نجات است. پیامبر اسلام، نیز به سبب نقش روشنگر و هدایت گر خود، نور خوانده شده است.^۴ دین اسلام، به عنوان نظامی الهی برای زندگی سالم و هدفمند، نور توصیف شده، و تلاش دشمنان برای خاموش کردن آن بی ثمر دانسته شده است. ایمان در دل مؤمنان نیز به شکل نوری توصیف شده که در مسیر حرکتشان روشنی می بخشد. همچنین کتاب های پیشین الهی مانند تورات و انجیل، در زمان خود، نور معرفی شده اند چون شامل هدایت الهی بوده اند. حتی روشن بینی و شرح صدر برای پذیرفتن اسلام نیز حالتی از نور الهی دانسته شده است. در مجموع، نور در قرآن نمادی از حقیقت، هدایت، و روشنی در برابر ظلمت جهل و گمراهی است.^۵

این وعده قرآنی، امیدی استوار به مومنان می دهد که در برابر تهدیدها و فشارهای جبهه کفر و باطل، استقامت ورزند، چرا که عاقبت از آن حق است. بر اساس

۱. ر.ک: ابن الجوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۱ ص ۵۶۳.

۲. سوره صف: ۸-۹.

۳. ر.ک: سوره نور: ۳۵

۴. ر.ک: سوره نساء: ۱۷۴ و ۱۷۵

۵. ر.ک: سوره مائده: ۱۵ و ۱۶

۶. ر.ک: الرازی، التفسیر الکبیر، ج ۲ ص ۲۶۴.

خود خداوند هستی و سرچشمه ی آسمان ها و زمین معرفی شده است. قرآن کریم نیز نور نامیده شده، زیرا راهنمای بشر به سوی حق و نجات است. پیامبر اسلام، نیز به سبب نقش روشنگر و هدایت گر خود، نور خوانده شده است. دین اسلام، به عنوان نظامی الهی برای زندگی سالم و هدفمند، نور توصیف شده، و تلاش دشمنان برای خاموش کردن آن بی ثمر دانسته شده است.



این وعده قرآنی، امیدی
استوار به مومنان می دهد
که در برابر تهدیدها و
فشارهای جهه کفر و
باطل، استقامت ورزند، چرا
که عاقبت از آن حق است.
بر اساس سنت الهی، آنان
که به مخالفت با پیامبران
و مصلحان می پردازند و
با خشونت و قتل در برابر
دعوت به عدل و توحید
می ایستند، سرانجامی جز
تباهی در دنیا و آخرت
نخواهند داشت.

۱۰۲



آملت و آملت

شماره اول - بهار و تابستان ۱۴۰۴

سنت الهی، آنان که به مخالفت با پیامبران و مصلحان می پردازند و با خشونت و قتل در برابر دعوت به عدل و توحید می ایستند، سرانجامی جز تباهی در دنیا و آخرت نخواهند داشت: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۱) أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾^۱ «به راستی کسانی که به آیات الله کفر می ورزند، و پیامبران را به ناحق می کشند و (نیز) کسانی از مردم را که به عدالت امر می کنند؛ به قتل می رسانند، پس آنان را به عذابی درد ناک مژده بده! آنان کسانی هستند که اعمال شان در دنیا و آخرت تباه شده، و برای آنان هیچ یاور و مددکاری نیست». ابوالعباس مبرد گفته است: گروهی از بنی اسرائیل بودند که پیامبران نزدشان می آمدند و آنان را به سوی خداوند متعال دعوت می کردند، اما آن پیامبران را می کشتند. سپس، پس از آن پیامبران، افرادی از مؤمنان برخاستند و مردم را به اسلام دعوت کردند، ولی آن ها نیز کشته شدند. درباره ی این افراد بود که این آیه نازل شد. و معقل بن ابی مسکین نیز همین معنا را بیان کرده و گفته است: پیامبران بدون اینکه کتابی همراه داشته باشند، نزد بنی اسرائیل می آمدند و بنی اسرائیل آنان را می کشتند. سپس گروهی از پیروان آن پیامبران قیام می کردند و مردم را به قسط (یعنی عدالت) فرا می خواندند، اما آنان نیز کشته می شدند.^۲

در میان این مخالفان سرسخت، یهودیان در طول دوران تاریخی خود نقش ویژه ای داشته اند. رفتار تاریخی آنان، سرشار از دشمنی با پیامبران، تحریف حقایق، و دشمنی با حاملان وحی و مصلحان اجتماعی بوده است. قرآن کریم در موارد متعدد به این مسئله اشاره می کند. آنان بارها به مخالفت با پیامبرانی که از سوی خدا فرستاده شده بودند، برخاسته و برخی را تکذیب و برخی را به قتل رساندند: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾^۳ «بدرستی که به موسی کتاب (تورات) دادیم، و بعد از او، پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم، و به عیسی پسر مریم معجزه ها و دلایل روشن دادیم، و او را به وسیله

۱. سوره آل عمران: ۲۱-۲۲.

۲. ر.ک: قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۴ ص ۴۷.

۳. سوره بقره: ۸۷.

روح القدس (جبریل) تأیید کردیم، آیا هر زمان؛ پیامبری چیزی بر خلاف هوای نفس شما آورد، در برابر او تکبر کردید، پس گروهی را تکذیب کرده و گروهی را کشتید». بیضاوی در تفسیر این آیه می‌گوید: «و ذکر کردن آن به لفظ مضارع (حال) به منظور بیان حالتی است که در گذشته رخ داده، تا آن را در ذهن‌ها زنده کند، زیرا آن امر بسیار هولناک است. یا این که برای رعایت فواصل (آهنگ کلام) است، یا برای اشاره به این که شما همچنان درگیر آن موضوع هستید، زیرا شما در حال چرخیدن به دور قتل پیامبر محمد ﷺ هستید، مگر این که من او را از شما حفظ کرده و نگهداری می‌کنم. به همین دلیل بود که شما او را سحر کرده و شتری را برای مسموم کردن او فراهم کردید.»^۱

حتی در مواجهه با پیامبری چون موسی علیه السلام، که در میان خودشان بود، هنگامی که او از جانب خدا دست به اصلاح و هدایت زد، از تهدید به قتل نیز دریغ نکردند. رفتار قوم بنی اسرائیل با برادر موسی، هارون علیه السلام، نمونه‌ای از این حقیقت تلخ است: ﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَحَ وَآخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمِّ إِيَّانَ الْقَوْمَ اسْتَضَعِفُونِي وَكَادُوا يُقْتُلُونِي فَلَا تُشِمْتُمْ بِي الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾^۲ «و چون موسی خشمگین و اندوه‌ناک به سوی قومش بازگشت، گفت: پس از من، چه بد جانشینانی برایم بودید، آیا از حکم پروردگارتان پیشی گرفتید؟! و لوح‌ها را انداخت، و سر برادر خود را گرفت و به سوی خود کشید، (هارون) گفت: ای پسر مادرم! به راستی این قوم مرا (در تنگای قرار دادند و) ناتوان کردند، و نزدیک بود مرا بکشند، پس با (اهانت) من (کاری نکن که) دشمنان مرا شتمات کنند، و مرا با گروه ستمکاران قرار مده». هارون در انجام وظیفه خود در برابر آنها کوتاهی نکرد و در موعظه و هشدار دادن به آنان چیزی از توانایی خود فروگذار نکرد. ولی آنان او را ضعیف شمردند و به سخنان او توجه نکردند، بلکه نزدیک بود که او را به قتل برسانند. این نشان می‌دهد که او در انکار رفتار آنها نهایت تلاش خود را کرد تا جایی که آنها تصمیم به قتل او گرفتند.^۳

دشمنی آن‌ها حتی فراتر از پیامبران رفته و گستاخی‌هایی نسبت به ذات اقدس

۱. ر.ک: بیضاوی، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ج ۱ ص ۹۳.

۲. سوره اعراف: ۱۵۰.

۳. ر.ک: ابو حیان، البحر المحیط، ج ۵ ص ۱۸۳.

در میان این مخالفان
سرسخت، یهودیان در طول
دوران تاریخی خود نقش
ویژه‌ای آنان، سرشار از
تاریخی با پیامبران تحریف
دشمنی و دشمنی با حاملان
حقانیت و مصلحان اجتماعی
و وحی است. حتی در مواجهه
بوده پیامبری چون موسی
با پیامبران خودشان بود،
که در میان خودشان و
هنگامی که او از جانب
خدا دست به اصلاح و
هدایت زد، از تهدید به قتل
نیز دریغ نکردند.





الهی نیز داشته‌اند. آنان در سخنان شان جسارت‌هایی روا داشتند که با هیچ منطق الهی یا انسانی پذیرفته نیست. قرآن کریم این سخنان و رفتارهای یهود را در کنار تلاش همیشگی آنان برای جنگ افروزی و ایجاد فساد در زمین مطرح می‌سازد: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾^۱ «و یهود گفتند: دست الله بسته است دست‌هایشان بسته باد! و بخاطر آنچه گفتند، لعنت شدند بلکه دو دست او گشاده است، هر گونه بخواهد می‌بخشد، و این آیات که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده بر سر کشی و کفر بسیاری از آن‌ها می‌افزاید، و ما در میان آنان تا روز قیامت دشمنی و کینه افکندیم، و هر زمان آتش جنگی افروختند، الله آن را خاموش کرد، و آنان برای فساد در زمین می‌کوشند، و الله مفسدان را دوست ندارد».

عادت، مرام و عملکرد همیشگی آنان در برابر دعوت‌گران و مصلحان همواره بر بهانه‌جویی، تکذیب، دشمنی و قتل بوده است: ﴿الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا لَآ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (۱۸۳) فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ^۲ «کسانی که گفتند: الله با ما عهد و پیمان بسته، که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم، تا برای ما قربانی بیاورد که آتش (= صاعقه آسمانی) آن را بخورد بگو: قطعاً پیامبرانی پیش از من، برای شما آمدند با معجزه‌ها و دلایل روشن، و آنچه را گفتید، (برای شما آوردند) پس اگر راست می‌گویید چرا آن‌ها را کشتید؟! پس اگر تو را تکذیب کردند، (غمگین مباش) پیامبرانی (هم) که پیش از تو، دلایل روشن، و نوشته‌ها و کتاب روشن آورده بودند، تکذیب شدند». آن‌ها (یعنی برخی از اهل کتاب) ادعا کردند که خداوند به آنها در کتاب‌هایشان عهد کرده بود که به هیچ پیامبری ایمان نخواهند آورد تا زمانی که یکی از معجزات او این باشد که اگر کسی از امتش صدقه‌ای دهد و آن صدقه از او پذیرفته شود، آنگاه آتشی از آسمان فرو می‌آید و آن صدقه را می‌سوزاند. این گفته از ابن عباس، حسن و دیگران نقل شده است.^۳

۱. سوره مائده: ۶۴.

۲. سوره آل عمران: ۱۸۳-۱۸۴.

۳. ر.ک: ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۲ ص ۱۵۶.

قرآن کریم با صراحت تمام، یهود را دشمن ترین دشمنان مؤمنان معرفی می کند. این دشمنی نه از روی جهل، بلکه ریشه در استکبار، تحریف آگاهانه، و روحیه تجاوزگر آنان دارد: ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾^۱ «به یقین دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را؛ یهود و مشرکان خواهی یافت، و نزدیک ترین دوستان به مؤمنان را؛ کسانی می یابی که می گویند: ما نصاری هستیم این بخاطر آن است که از (میان) آن ها کشیشان و تارکان دنیا هستند، و آن ها تکبر نمی ورزند». این آیه به منظور تأکید بر بیان قبیاح یهود آورده شده است و با قسم تأکید شده تا تحقق مضمون آن بیشتر مورد توجه قرار گیرد. خطاب در اینجا یا به پیامبر اکرم ﷺ است و یا به هر کسی که صلاحیت درک آن را داشته باشد، به گونه ای که حال آنها برای هیچ کس از مردم پوشیده نیست.^۲

نتیجه چنین رویه ای، چیزی جز ذلت دائمی، گرفتاری در خشم الهی، و محرومیت از یاری خدا و خلق نیست؛ چنان که قرآن در توصیف سرنوشت آنان بیان می دارد: ﴿ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾^۳ «هر کجا یافته شوند، (مهر) ذلت و خواری بر آنان زده شده است مگر آنکه در پناه امان خدا، و امان مردم باشند و به خشمی از الله گرفتار شده اند، و (مهر) بیچارگی بر آن ها زده شده، این بدان سبب بود که به آیات الله کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند، (و نیز) این (سزا) بخاطر آن بود که نافرمانی کردند و از حدود (الهی) تجاوز می نمودند».

با تأمل در آیات یادشده و بررسی سیر تاریخی تقابل میان جبهه حق و باطل، به ویژه نقش برجسته یهود در این تقابل، روشن می شود که دشمنی با پیامبران، تحریف حقایق الهی، و تلاش برای خاموش ساختن نور هدایت، ویژگی هایی ریشه دار و مستمر در رفتار آنان بوده است. قرآن کریم این جریان را از سرسخت ترین دشمنان اهل ایمان معرفی می کند و سرانجام آنان را ذلت، محرومیت، و خشم الهی

۱. سوره مائده: ۸۲.

۲. ر.ک: آلوسی، روح المعانی، ج ۴ ص ۴.

۳. سوره آل عمران: ۱۱۲.

قرآن کریم با صراحت تمام،
یهود را دشمن ترین دشمنان
مؤمنان معرفی می کند. این
دشمنی نه از روی جهل،
بلکه ریشه در استکبار
و روحیه
تجاوزگر آنان دارد. نتیجه
چنین رویه ای، چیزی جز
ذلت دائمی و محرومیت از
یاری خدا و خلق نیست.



می‌داند. بر اساس سنت الهی، تمامی تلاش‌ها برای نابودی جبهه حق محکوم به شکست است و نور خداوند خاموش شدنی نیست. از این رو، اهل ایمان در طول تاریخ باید با آگاهی از این دشمنی‌ها، استقامت، و توکل بر وعده‌های الهی، راه خود را ادامه دهند، چراکه عاقبت از آن حق طلبان خواهد بود.

سوره حشر گزارشی از برنامه ترور پیامبر ﷺ توسط یهودیان بنی‌نضیر

سوره حشر با آیه شریفه: ﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ﴾ به نام «حشر» معروف شده است، که به «اولین حشر» اشاره دارد؛ یعنی نخستین گردآوری و تبعیدی که طی آن، گروهی از اهل کتاب که کفر ورزیده بودند، در زمان پیامبر از سرزمین خود در مدینه به سوی سرزمین شام رانده شدند. «حشر دوم» نیز به اخراج نهایی ایشان در زمان خلافت عمر بن خطاب از منطقه خیبر به شام اطلاق می‌شود. این سوره همچنین با عنوان «سوره بنی‌نضیر» شناخته می‌شود؛ زیرا مشتمل بر روایت اخراج یهودیان بنی‌نضیر است. این قوم از یهودیان مدینه بودند که پیمان خود با پیامبر اسلام را شکستند و در نتیجه در جریان غزه بنی‌نضیر از مدینه بیرون رانده شدند.^۱

پیمان شکنی یهودیان و نقشه ترور پیامبر

از طریق عبدالرحمن بن کعب بن مالک روایت شده است که مشرکان قریش پیش از واقعه بدر، در حالی که پیامبر در مدینه اقامت داشت، نامه‌ای به عبدالله بن ابی بن سلول و دیگر مشرکان اوس و خزرج نوشتند. در این نامه آمده بود: «شما یار و پشتیبان مرد ما (محمد) شده‌اید، در حالی که از لحاظ جمعیت، پرشمارترین مردم مدینه هستید. به خدا سوگند یا باید با او بجنگید یا او را از شهر بیرون کنید، وگرنه ما قبایل عرب را علیه شما برمی‌انگیزیم و همگی به سوی شما می‌آییم، مردان تان را می‌کشیم و زنان و فرزندان تان را به غنیمت می‌گیریم.» وقتی این نامه به عبدالله بن ابی و هم‌کیشان مشرکش رسید، بایکدیگر نامه‌نگاری و مشورت کردند و بر جنگ با پیامبر و یارانش هم‌داستان شدند. پیامبر ﷺ از ماجرا آگاه

۱. ر.ک: زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والمنهج، ج ۲۸ ص ۶۲؛ قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۱۱ ص ۷۹-۸۰.



شد و به همراه جمعی از یارانش با آنان روبرو گشت. آن گاه خطاب به ایشان فرمود: «تهدید قریش به نهایت رسیده است، اما شما خودتان با دست خود در حال اجرای توطئه‌ای هستید که حتی قریش با آن همه دشمنی‌اش نمی‌توانست از آن فراتر برود! آیا می‌خواهید با فرزندان و برادران خود بجنگید؟» وقتی آنان این سخنان را از پیامبر شنیدند، پراکنده شدند و دست از نقشه خود کشیدند. خبر این پراکندگی به قریش رسید، و پس از آن بود که واقعه بدر رخ داد. پس از بدر، قریش بار دیگر به یهودیان نامه نوشتند: «شما مردمانی هستید که دژها و استحکامات دارید. باید با محمد بجنگید، وگرنه چنین و چنان خواهیم کرد، و هیچ چیز مانع ما از تعرض به زنان‌تان نخواهد بود» یهودیان بنی‌نضیر پس از دریافت این نامه، به خیانت گرد آمدند و طی نامه‌ای از پیامبر خواستند با سی‌تن از یارانش نزد آنان آید، تا سی‌تن از علمای ایشان نیز حاضر شوند و در مکانی میانه به گفتگو بنشینند. گفتند اگر علمای ما سخن تو را پذیرفتند، ما نیز همگی به تو ایمان می‌آوریم. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با سی‌تن از یارانش بیرون رفت و سی‌تن از یهودیان نیز آمدند. وقتی هر دو گروه در دشتی روبرو شدند، برخی از یهودیان به یکدیگر گفتند: «چگونه می‌توانیم به او آسیبی برسانیم در حالی که سی‌تن از یاران جان‌نازش همراه اویند؟» پس پیشنهاد دادند که: «ما شصت نفره نمی‌توانیم مذاکره کنیم؛ سه‌تن از ما و سه‌تن از شما بیایند.» با این توافق، پیامبر با سه نفر از یارانش و یهودیان نیز با سه‌تن از علمایشان آمدند؛ اما آن سه یهودی خنجرهایی زیر جامه پنهان کرده بودند و قصد جان پیامبر را داشتند. در همین زمان، زنی خیرخواه از بنی‌نضیر که برادرش مسلمان و از انصار بود، پنهانی نقشه یهودیان را به او اطلاع داد. آن مرد بی‌درنگ خود را به پیامبر رساند و خبر خیانت را به او رساند، و پیش از آنکه پیامبر به محل ملاقات برسد، او را آگاه کرد. در نتیجه پیامبر بازگشت. فردای آن روز، پیامبر با گروهی از مسلمانان به سوی بنی‌نضیر رفت و آنان را محاصره کرد و فرمود: «به خدا سوگند، شما نزد من ایمن نخواهید بود، مگر آنکه با من پیمان ببندید.» اما آنان از پذیرش پیمان خودداری کردند. پس پیامبر و مسلمانان با آنان جنگیدند. سپس فردای آن روز به سراغ بنی‌قریظه رفت و بنی‌نضیر را رها کرد. از بنی‌قریظه خواست تا با او پیمان ببندند، و چون پذیرفتند، پیامبر از آنان منصرف شد و دوباره به سراغ بنی‌نضیر آمد و جنگ را ادامه داد، تا آنکه

پس از بدر قریش بار دیگر به یهودیان نامه نوشتند: «شما مردمانی هستید که دژها و استحکامات دارید. باید با محمد بجنگید، وگرنه چنین و چنان خواهیم کرد، و هیچ چیز مانع ما از تعرض به زنان‌تان نخواهد بود» یهودیان بنی‌نضیر پس از دریافت این نامه، به خیانت گرد آمدند و طی نامه‌ای از پیامبر خواستند با سی‌تن از یارانش نزد آنان آید، تا سی‌تن از علمای ایشان نیز حاضر شوند و در مکانی میانه به گفتگو بنشینند.



بنی‌نضیر تسلیم شدند و پذیرفتند که از مدینه کوچ کنند، به شرط آنکه بتوانند هر چه شتران‌شان توان حمل دارد با خود ببرند، مگر سلاح‌های جنگی. بدین ترتیب، بنی‌نضیر کوچ کردند، در حالی‌که اثاثیه، درهای خانه‌ها و تیرهای چوبی‌شان را نیز با خود بردند. حتی خانه‌هایشان را ویران می‌کردند تا چوب‌های آن را نیز ببرند. این هجرت نخستین تبعید گسترده به سوی شام به‌شمار می‌رفت. بنی‌نضیر گروهی از اهل‌کتاب بودند که تا آن زمان، از زمان صدور حکم الهی درباره تبعید بنی‌اسرائیل، هرگز تبعید نشده بودند. از همین رو، پیامبر آنان را تبعید کرد. اگر خداوند درباره تبعید نبود، آنان نیز همچون بنی‌قریظه در دنیا به عذابی سخت گرفتار می‌شدند. در این زمینه آیات آغازین سوره حشر نازل شد: ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ تا آنجا که می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱.

دشمنی یهودیان با خدا و پیامبر

در آیه چهارم سوره حشر، یهودیان بنی‌نضیر با عبارتی توصیف شده‌اند که بیانگر اوج دشمنی و تقابل آنان با خدا و پیامبر است: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ یعنی: «این [سرنوشت] به این سبب بود که با خدا و پیامبر او به ستیز برخاستند، و هر کس با خدا به دشمنی برخیزد، همانا خداوند سخت‌کیفر است.» عبارت ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ﴾ اشاره به همه مواردی که پیش‌تر در آیات یاد شده است: اخراج آن‌ها از سرزمین‌شان، افکندن رعب در دل‌هایشان، تخریب خانه‌هایشان و آماده شدن عذاب آخرت برایشان. واژه ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ﴾ نشان‌دهنده دلیل و علت این وقایع است. واژه «شَاقُّوا» از ریشه «شقاق» می‌آید، که به معنای دشمنی و مخالفت جدی و آشکار است، و از واژه «شِق» (شقّه، دوپاره شدن) مشتق شده است؛ یعنی گویی این افراد خود را در طرفی جدا و مخالف با خدا و رسول قرار داده‌اند. مشاqqه و محادّه هر دو دلالت بر جدایی، فاصله‌گیری و موضع‌گیری خصمانه دارند. بنی‌نضیر در مدینه سکونت داشتند اما با وجود آن‌که می‌توانستند با مسلمانان همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند، به صورت پنهانی و

بنی‌نضیر گروهی از اهل‌کتاب بودند که تا آن زمان، از زمان صدور حکم الهی درباره تبعید بنی‌اسرائیل، هرگز تبعید نشده بودند. از همین رو، پیامبر آنان را تبعید کرد. اگر خداوند درباره تبعید نبود، آنان نیز همچون بنی‌قریظه در دنیا به عذابی سخت گرفتار می‌شدند.



۱. ر.ک: أبو داوود، سنن ابی داوود، ج ۴ ص ۶۱۸؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج ۳ ص ۱۷۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۹ ص ۴۷۷-۴۷۸.

آشکار با مشرکان مکه هم پیمان شدند، منافقان را تقویت کردند، و در پی ایجاد فتنه و نقض پیمان با پیامبر برآمدند. این‌ها مصادیق روشنی از مشاقه یا دشمنی با خدا و پیامبر است. در ادامه آیه، جمله ﴿وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ به عنوان نتیجه‌گیری کلی آورده شده است. این جمله تأکید می‌کند که هر کس با خدا به ستیز برخیزد، جزای او مجازات سخت الهی خواهد بود. یعنی این عذاب، نه فقط خاص بنی‌نضیر بلکه سنتی جاری برای هر گروه و فردی است که راه دشمنی با خدا در پیش گیرد.

بنابراین توصیف یهودیان در این آیه از نظر زبانی و محتوایی، بیانگر دشمنی آشکار، پیمان‌شکنی و موضع‌گیری خصمانه‌ی آگاهانه با خدا و پیامبر اوست، و این رفتار علت اصلی سقوط و عذاب‌شان معرفی می‌شود.^۱

ترس و بی‌خردی یهودیان

در آیات ۱۳ و ۱۴ سوره حشر، خداوند توصیفی دقیق و عمیق از وضعیت روانی و فکری یهودیان - به‌ویژه طوایف بنی‌نضیر و بنی‌قریظه - ارائه می‌دهد. این توصیف شامل چند بعد مهم است که هر کدام نشانه‌ای از ضعف درونی و انحراف فکری آنان است:

۱. **ترس شدید از مسلمانان، بیش از ترس از خدا:** در آیه آمده است ﴿لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ﴾ یعنی ترسی که یهودیان از مسلمانان دارند، در دل‌های‌شان بیشتر از ترسی است که باید از خداوند داشته باشند. این تعبیر، شدت رعب و هراسی را که خداوند در دل دشمنان اسلام انداخته به‌خوبی نشان می‌دهد. این ترس، ریشه در دل‌ها دارد و امری ظاهری یا ساختگی نیست، بلکه خوفی است واقعی و درونی. هرچند ممکن است این گروه‌ها در ظاهر خود را شجاع، نیرومند و آماده‌ی مقابله نشان دهند، اما حقیقتِ باطنی‌شان، ترس و نگرانی شدیدی است که از قدرت و ایمان مسلمانان در دل دارند. این نکته برای مسلمانان مایه‌ی دلگرمی و اعتماد به نفس است، چرا که دشمنی که از درون ترسیده، توان ایستادگی واقعی ندارد.^۲

۱. ر.ک: ابن‌عاشور، التحرير والتنوير، ج ۲۸ ص ۷۵؛ طباطبایی، المیزان، ج ۱۹ ص ۱۷۸.

۲. ر.ک: بروجردی، تفسیر جامع، ج ۷ ص ۱۲۹-۱۳۰.

بنابراین توصیف یهودیان در این آیه از نظر زبانی و محتوایی، بیانگر دشمنی آشکار، پیمان‌شکنی و موضع‌گیری خصمانه‌ی آگاهانه با خدا و پیامبر اوست، و این رفتار علت اصلی سقوط و عذاب‌شان معرفی می‌شود.





۲. نداشتن درک و بینش صحیح (فقدان فقه): در ادامه آیه آمده است ﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ یعنی علت این ترس شدید و بی تناسب آن است که آنان قومی هستند که فقه و درک درستی ندارند. «فقه» در این جا به معنای فهم عمیق، بصیرت و بینش نسبت به واقعیت هاست؛ فهمی که فراتر از سطح ظواهر می رود و به عمق معانی و پیامدها نظر دارد. یهودیان در این آیات، مردمانی توصیف شده اند که به جای تأمل در پیام الهی، شناخت حق، و درک موقعیت پیامبر، تنها به حوادث سطحی و زودگذر دنیوی واکنش نشان می دهند. از آن جا که معرفت عمیق نسبت به خدا و پیامبر ندارند، در موقعیت هایی که باید توکل بر خدا داشته باشند، دچار ترس و اضطراب از انسان ها می شوند.^۱

۳. وابستگی به عوامل ظاهری و بی توجهی به حقایق ایمانی: در نگاه تفسیری، این ترس نابجا نشان دهنده آن است که این افراد بیشتر وابسته به ظواهر دنیوی هستند. آن ها بر اساس معیارهای مادی چون قدرت نظامی، جمعیت، ثروت یا اتحادهای سیاسی تصمیم می گیرند و واکنش نشان می دهند. از این رو، وقتی با تهدیدات دنیوی مواجه می شوند - مثل خطر جنگ یا از دست دادن منافع اقتصادی - به شدت می ترسند. اما نسبت به عذاب الهی، که حاصل نپذیرفتن پیام حق و نافرمانی از رسول خداست، بی اعتنا و بی خیال اند. این نشان می دهد که آنان ایمان واقعی ندارند و از فهم اثرات اخروی اعمال شان ناتوان اند. چنین مردمانی تنها از آنچه در برابر چشم شان هست می ترسند، نه از آنچه در آخرت در انتظارشان است. این ضعف معرفتی، یکی از دلایل اصلی انحراف و سقوط شان در برابر دعوت پیامبر ﷺ بود.^۲

در مجموع، این آیات تصویری دقیق از دشمنانی ارائه می دهند که گرچه ممکن است ظاهراً قوی و جسور به نظر برسند، اما از درون ترسیده، بی بصیرت و ناتوان در درک حقیقت اند؛ و این برای مسلمانان مؤمن پیامی روح بخش و انگیزاننده دارد.^۳

صهیونیسم امروز نوادگان یهودیان دیروز

یادآوری مکرر صفات ناپسند قوم یهود در آیات قرآن کریم، از جمله عناد، تحریف، کتمان حقایق، نقض عهد، و قتل پیامبران، تنها به عنوان نقل رویدادهای تاریخی

۱. ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۹ ص ۴۹۰.

۲. ر.ک: طباطبائی، المیزان، ج ۱۹ ص ۱۸۷.

۳. ر.ک: زمخشری، تفسیر الکشاف، ج ۲۸ ص ۱۰۱-۱۰۴.

صورت نگرفته، بلکه حاوی دلالتی ژرف تر است که نشان از تداوم این صفات در نسل های بعدی آنان تا عصر پیامبر اسلام دارد. در این چارچوب، سرزنش یهودیان معاصر پیامبر به دلیل گناهان نیاکانشان، همچون قتل پیامبران یا دشمنی با فرستادگان الهی، نه از روی بی عدالتی بلکه به سبب پذیرش و تأیید آن رفتارها از سوی خود آنان است. قرآن کریم در آیاتی مانند ﴿أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾^۱، بیان می دارد که این رفتارها صرفاً متعلق به گذشته نیست، بلکه بازتابی از باوری استمرار یافته در سلوک و اعتقادات نسل حاضر یهودیان در زمان بعثت است. بدین سان، نکوهش آنان به خاطر جرائم گذشته، درواقع واکنشی به تداوم خط فکری و عملی آن جرائم در نسل های بعد است، وگرنه در منطق قرآنی، هیچ فردی به گناه دیگری مؤاخذه نمی شود مگر آنکه خود نیز در آن سهیم باشد یا بدان افتخار کند.

از منظر منطقی و تاریخی، استمرار دشمنی یهودیان با پیامبران الهی که از دوران پیدایش رسالت الهی تا زمان بعثت پیامبر اسلام ادامه یافته، مؤید یک الگوی رفتاری و فکری ثابت در میان آنان است. این حقیقت، هنگامی که در قالب آیات قرآن کریم - به عنوان کتابی جاویدان و فراتر از زمان و مکان - بازتاب می یابد، دلالت بر چیزی بیش از یک توصیف تاریخی صرف دارد؛ بلکه می تواند نشانه ای از امتداد این خصومت تا آینده، مادام که حاملان این دین بر همان اندیشه ها، انکارها و دشمنی های پیشینیان خویش پافشاری کنند، تلقی گردد. آیاتی چون ﴿قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^۲، نه تنها یادآور جنایت های گذشتگان است، بلکه به گونه ای به معاصران پیامبر نسبت داده می شود و بدین وسیله، قرآن با زبانی هشداردهنده پیوستگی فکری میان نسل ها را گوشزد می کند. بنابراین، از دیدگاه قرآنی، تداوم این دشمنی امری محتمل و حتی قابل انتظار است، مگر آنکه تحولی بنیادین در باورها و رفتارهای این قوم پدید آید.

یکی از قضایایی که مردمان خاورمیانه از سال ۱۹۴۸م با آن درگیر بوده مساله اشغال بخش عظیمی از سرزمین های فلسطینی است. یهودیان صهیونیسم از طریق

۱. سوره بقره: ۷۵

۲. سوره بقره: ۹۱

صفات ناپسند قوم یهود
در آیات قرآن کریم، از جمله عناد، تحریف، کتمان حقایق، نقض عهد، و قتل پیامبران، تنها به عنوان نقض رویدادهای تاریخی صورت نگرفته، بلکه حاوی دلالتی ژرف تر است که نشان از تداوم این صفات در نسل های بعدی آنان تا عصر پیامبر اسلام دارد.



یکی از قضایای که مردمان
خاورمیانه از سال ۱۹۴۸م
بان درگیر بوده مساله
اشغال بخش عظیمی از
سرزمین‌های فلسطینی
است. یهودیان صهیونیست
از طریق حمله صهیونیست
به تعدادی از روستاهای
فلسطینی و ایجاد ترس در
وحشی‌گری و ایجاد ترس در
دل مردمان فلسطین، بخش
عظیمی از این مردم را مجبور
به ترک دیار خود کردند.

۱۱۲



جمهوری اسلامی ایران

شماره اول - بهار و تابستان ۱۴۰۲

حمله وحشیانه به تعدادی از روستاهای فلسطینی و از طریق وحشی‌گری و ایجاد ترس در دل مردمان فلسطین، بخش عظیمی از این مردم را مجبور به ترک دیار خود کردند. یهودیان صهیونیست قبل از ۱۹۴۸م و پس از آن که به صورت سازمان یافته و با پشتوانه قدرت‌های غربی انواع جرایم و حربه‌های تروریستی را در حق مردمان مظلوم فلسطین به اجرا گذاشتند.^۱

پس از اعلان تشکیل دولت رژیم اشغال‌گر در سرزمین‌های فلسطینی همانند گذشتگان خود به هیچ عهد و پیمانی وفادار نبوده‌اند؛ از جمله این پیمان‌ها را می‌توان قرارداد صلح اسلو را نام برد. این قرارداد بین دولت رژیم اشغال‌گر فلسطین و سازمان آزادی بخش فلسطین در دو موافقت‌نامه انجام گرفت. اما از همان سال‌ها بین دولت رژیم اشغال‌گر و مردمان فلسطین صلحی برقرار نشد و رژیم اشغال‌گر فلسطین خلاف مفاد پیمان صلح اسلو عمل کرد و از این توافق تنها برای مصادره اراضی بیش‌تر فلسطینی‌ها و توسعه شهرک‌ها استفاده کرد. حکومت خودگردان فلسطین نیز که قرار بود طی فرایند پنج‌ساله به دولت مستقل و رسمی فلسطین تبدیل شود، تاکنون محقق نشده است. در واقع رژیم اشغال‌گر با همکاری و حمایت حامیان غربی خود جلوی تشکیل آن گرفته و عملاً این رژیم اشغال‌گر به مفاد پیمان اسلو عمل نکرده و مانند اسلاف خود به مفاد پیمان اسلو که با نظارت آمریکا امضا شد، وفادار نبوده است.

یهودیان صهیونیست سیاست ترور شخصیت‌های اصلاح‌گر همانند اسلاف خود ادامه داده است. از مصادیق این ترورها را می‌توان شیخ احمد یاسین نام برد. ایشان از اصلاح‌گران اجتماعی در فلسطین، دانشمندی فرهیخته و خطیبی توانمند بود که با چهار چرخ رفت و آمد می‌کرد. شیخ احمد یاسین با دستور مستقیم شارون رئیس وزرای وقت صهیونیست پس از خروج از مسجد بعد از نماز صبح ترور می‌شود.^۲ از دیگر شخصیت‌هایی که توسط رژیم اشغال‌گر فلسطین ترور شد دکتر عبدالعزیز رنتیسی است. ایشان پزشک دین‌دار و سخن‌ران توانمندی بود.^۳

حال یهودیان صهیونیست در عصر حاضر همان نوادگان یهودیان پیمان‌شکن،

۱. ر.ک: مسیری، الصهیونیه والعنف من بداية الاستيطان إلى انتفاضة الأقصى، ص ۲۴۴.

۲. ر.ک: عبدالفتاح، أهم وأخطر الاغتيالات السياسية في التاريخ، ص ۳۲۲.

۳. ر.ک: همان، ص ۳۲۵.

جنگ افروز و ترور کننده پیامبران الهی و مصلحان اجتماعی هستند که در راستای سیاست اسلاف خود گام برمی دارند. با این وصف رویکرد متناسب با وضعیت آن‌ها همان الگویی است که قرآن کریم در سوره حشر معرفی می‌کند. پس از ترور عملی مصلحان و پیمان شکنی مکرر آن‌ها الگوی تعامل با آن‌ها رانده شدن از سرزمین‌های اشغالی فلسطین و بازگرداندن این سرزمین به صاحبان اصلی آن است.

این رویکرد تعامل با دشمنان که دشمنی آن‌ها علنی بوده است مورد تاکید آیات قرآن قرار دارد؛ از جمله آن در سوره ممتحنه سوره ای که شیوه برخورد مومنان با کافران را به تفصیل بیان می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُواكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُواكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾^۱. این آیه از دوستی با کسانی نهی می‌کند که در باورهای دینی مسلمانان با آن‌ها جنگ دارند و در بیرون راندن مسلمانان از دیارشان. در آن دوران مگه بود. در تلاش بوده و همدیگر را در این امر یاری می‌کنند. این معنا مطابقت دارد با آن چه که در دوران معاصر برای مسلمانان فلسطینی و سرزمینشان رخ داده است. یهودیان صهیونیسم در مواجهه با مسلمانان فلسطین طبق باور دینی خود با مسلمانان برخورد کرده و در شهرک سازی و راندن فلسطینیان از سرزمینشان دست بر نمی‌دارند.

تابع همین نگاه شماری از علمای مسلمان از روزهای نخست اشغال فلسطین فتوای وجوب جهاد جهت آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده فلسطین توسط یهودیان صهیونیسم صادر نموده و در طلیعه هیئت‌های علمی و مرجعیت‌های دینی و فقهی را می‌توان علمای الأزهر از جمله آن‌ها شیخ الأزهر دکتر محمد سید طنطاوی - مفتی اعظم مصر و رئیس الأزهر - نام برد که بسیج کردن تمام توان مسلمانان در مواجهه با یهودیان فلسطین از جمله تحریم خرید و فروش کالاهای دولت مزعوم اسرائیل فتاوی متعددی صادر نموده اند و همین بر وجوب جهاد مسلحانه تا آزادسازی سرزمین فلسطین و قدس تاکید داشته‌اند.^۲

۱. سوره ممتحنه: ۸

۲. ر.ک: فتاوی الأزهر فی وجوب الجهاد و تحریم التعامل مع الکیان الصهیونی، ص ۲۶-۲۹.

حال یهودیان صهیونیسم در
عصر حاضر همان نوادگان
پیمان شکن،
یهودیان
جنگ افروز و ترور کننده
پیامبران الهی و مصلحان
اجتماعی هستند که در
راستای سیاست اسلاف
خود گام برمی‌دارند.
تابع همین نگاه شماری از
علمای مسلمان از روزهای
نخست اشغال فلسطین
فتوای وجوب جهاد جهت
آزادسازی سرزمین‌های
اشغال شده فلسطین توسط
صهیونیسم صادر نموده‌اند.



نتیجه‌گیری

در بررسی تاریخی و قرآنی تقابل میان جبهه حق و باطل، روشن می‌شود که این نبرد دیرینه، تنها در قالب اختلافات عقیدتی ساده قابل تحلیل نیست، بلکه ریشه در سنت استکبار و تکذیب آگاهانه حقیقت دارد. از نمونه‌های بارز این تقابل، موضع‌گیری دشمنان پیامبران الهی همچون فرعون در برابر موسی تا کارشکنی‌های مستمر یهودیان در برابر انبیاء و پیامبر اسلام ﷺ است. قرآن با ذکر مصادیق متعدد از دشمنی یهودیان با پیامبران، تحریف کلام الهی، گستاخی نسبت به ذات اقدس خداوند و تلاش برای خاموش ساختن نور الهی پرده برمی‌دارد. در عین حال، تأکید می‌کند که این نور الهی خاموش نشدنی است، هرچند کافران و مشرکان از آن ناخشنود باشند. نتیجه نهایی آن است که هرچند جبهه باطل با ابزار قدرت، تحریف و خشونت درصدد مقابله با حقیقت است، اما به حکم سنت الهی، سرانجام حق غالب خواهد شد و باطل، محکوم به نابودی است. این حقیقت، مسئولیتی بزرگ برای اهل ایمان در حفظ و صیانت از نور هدایت الهی ایجاد می‌کند. سوره حشر به صورت موردی به نقشه ترور پیامبر ﷺ توسط یهودیان بنی‌نضیر پرداخته که این عملکرد آن‌ها منجر به راندنشان به بیرون از مدینه شد. یهودیان صهیونیسم در عصر حاضر نیز به صورت سازمان یافته سنت پیمان شکنی و ترور اصلاح‌گران را در پیش گرفته است که رویکرد قرآن در سوره حشر می‌تواند الگویی مناسب در تقابل با آن‌ها باشد.

در بررسی تاریخی و قرآنی
تقابل میان جبهه حق و باطل،
این روشن می‌شود که
نبرد دیرینه، تنها در
قالب اختلافات عقیدتی
ساده قابل تحلیل نیست،
بلکه ریشه در سنت
استکبار و تکذیب آگاهانه
حقیقت دارد.



منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- ابن الجوزي، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، چاپ اول، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق
- ابن عاشور، محمد الطاهر، التحریر والتنویر، الدار التونسیه للنشر، تونس، ۱۹۸۴م
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر ابن کثیر، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ق
- ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط، دار الفکر، بیروت، ۲۰۰۰م
- ابو داوود، سلیمان بن الاشعث، سنن ابی داوود، چاپ اول، دار الرساله العلمیه، ۱۴۳۰ق
- آلوسی، محمود، روح المعانی، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق
- بروجردی، سید ابراهیم، تفسیر جامع، چاپ اول، انتشارات عصر ظهور، قم، ۱۳۹۱ش
- بیهقی، احمد بن الحسین، دلائل النبوة، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۵ق
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، چاپ اول، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق
- رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، چاپ سوم، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق
- ریاض، جواد محمد، فتاوی الأزهر فی وجوب الجهاد وتحريم التعامل مع الکیان الصهيونی، مرکز یافا للدراسات والأبحاث، قاهره، بی تا.
- زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه والمنهج، چاپ اول، دار الفکر، دمشق، ۱۴۱۱ق
- زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف، چاپ سوم، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۷ق.
- طبرسی، الفضل بن الحسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه، قاهره، ۱۹۷۶م.
- عبدالفتاح، عصام، أهم وأخطر الاغتيالات السياسية في التاريخ، چاپ اول، دار الكنوز، اسکندریه، ۲۰۱۲م.
- قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحديث، چاپ سوم، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۸ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، چاپ دوم، دار الکتب المصریه، قاهره، ۱۹۶۴م.
- مسیری، عبدالوهاب، الصهيونية والعنف من بداية الاستيطان إلى انتفاضة الأقصى، چاپ دوم، دار الشروق، قاهره، ۲۰۰۲م.
- واحدی، علی بن احمد، أسباب النزول، چاپ دوم، دار الإصلاح، عربستان، ۱۹۹۲م.
- هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، چاپ دهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ایران، ۱۳۸۰ش.

